

پیشخوان

«**جلوه‌های معلمی استاد مطهری**» در آیینه روایات ناب

سیره آموزشی «شهید مطهر»

■ **محمد رضا کائینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن می‌نویسیم، در عداد نفیس‌ترین یادمان‌های استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری است. «جلوه‌های معلمی استاد مطهری»،

سیره آموزشی و تربیتی آن متفکر فرزانه را در آیینه روایات شماری از شاگردان آن بزرگ جسته و گفتنی‌هایی ناگفته را فرآوری علاقه‌مندان قرار داده است. کتاب یک بار در دهه ۶۰ منتشر شد و دگربار در دهه ۷۰ و هر دو از سوی انتشارات مدرسه. با این همه همچنان جا دارد که این بزرگداشت نامه، با ویراستی جدید، نشر یابد و در اختیار نسل جوان قرار گیرد. ناشر در دیباچه خویش بر این اثر، در باب محتوای آن آورده است:

«مدت‌هاست بحران فزاینده‌ای، در زمینه‌های مختلف به خصوص آموزش و پرورش، گریبانگیر دوران معاصر شده است. این بحران در همه کشورها چه کشورهای عقب نگه داشته شده و چه آنها که خود را پیشرفته به حساب می‌آورند، با تفاوت‌های صوری اندک و با ماهیتی یکسان، بروز کرده است. از طرفی جهش کمی و سرسام‌آور تقاضا برای آموزش، نایابی شدید وسایل و لوازم، عدم تعلق آموزش‌ها با نیازهای جامعه و بی‌تحرکی و لختی دستگاه‌های آموزشی نسبت به دگرگونی بنیادی خود، همچون طوفان‌های مهیبی بیکر نظام‌های اجتماعی را به لیزه در آورده‌اند و از طرف دیگر، تکنولوژی آموزشی، «فراسوی آزادی و حرمت» همه ارزش‌ها و تقدس‌ها را بی‌اعتبار کرده است. بسیاری از آنچه به عنوان برنامه‌های آموزشی، روش‌های تدریس و…

براه می‌شود، مردم‌های است که در همین مجامع، برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن این زخم‌های چرکین، تجویز شده است! اما این تحلیلگران یا خود نمی‌فهمند یا نمی‌خواهند دیگران بفهمند که



► طرح از استاد کیخسرو خورش

علت اصلی بحران را باید در دور شدن شتاب‌آلود قرون جدید از دین و معنویت جست‌وجو کرد. از آن زمان که انسان به پندار خود برای دست یازیدن به پیشرفت و ترقی، دین را رها کرد، دچار سرگشتگی و حیرتی دم افزون شد. نکته مهم اینکه کشور ما نیز از این بحران گسترده در امان نبوده است، چه پایه‌ریزان نظام آموزشی در ایران، اگر نگوئیم از روی وابستگی به قدرت‌های استکباری، بلکه از روی خودباختگی و شیفتگی به مظاهر تمدن این «عصر سلیطه کمیت» از آغاز، همان نسخه‌های تجویز شده را بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها و فرهنگ خاص این جامعه، عیناً به کار گرفتند و با این کار، مملکت را به وابستگی کشاندند. اینک که انقلاب شکوهمند اسلامی ما همچون سیلی «دراز آهنگ و بیچان و زمین کن» لرزه بر آراگان جهان انداخته و قدرت‌های استکباری نشان داده که به راستی وابسته به هیچ یک از قدرت‌های شرق و غرب نیست، ضروری است با شناخت عمیق بحران آموزشی دنیای معاصر و علل و عوامل آن از طرفی و جایگزین کردن اصولی و نه صوری ارزش‌های اسلامی از طرف دیگر، هر چه زودتر از جنبه این وابستگی گسترده و نامرئی فرهنگی در اییم.

معرفی مدرسان و استادان بزرگ اسلامی و شناساندن شیوه‌های تعلیم آنها در بسیاری جهات می‌تواند نقطه شروعی برای این کار باشد تا بر نامه‌ریزان، معلمان و دانش‌آموزان ما دریابند بهره‌وران از چشمه پاک و گوارای اسلام، علم را نور الهی، معلم را وارث انبیا، شاگرد را یتیم آل محمد(ص) و تعلیم را یک وظیفه دینی و تکلیف الهی به حساب آورند. خدا را ستیاس می‌گوئیم که توانسته‌ایم در سالروز شهادت استاد گرانقدر مرتضی مطهری و همزمان با هفته معلم، کتاب حاضر را تقدیم معلمان، دبیران و دانش‌وختگان آموزش و پرورش کنیم تا بتوانیم گوشه‌ای از ویژگی‌های یکی از قله‌های بلند و رفیع تعلیم و تربیت اسلامی را معرفی کرده باشیم.»

■ **محمد حسن رجیبی دوانی**

در پنجاه‌هشتمین سالروز قیام تاریخی ۱۵خرداد ۱۳۴۲، اشاره به نخستین تاریخ‌نگاری نهضت اسلامی ایران بهنگام به نظر می‌رسد. عالم خبیر زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی، نخستین چهره‌ای بود که پس از آغاز نهضت اسلامی، به نگارش کتاب «نهضت دو ماهه روحانیون ایران» دست زد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آن را به مجموعه ۱۱جلدی «نهضت روحانیون ایران» مبدل ساخت. در مقال بی‌امزه، فرزند آن فرانه فقیه، به بازگویی ماجرای تألیف این اثر و ارزیابی پیاره‌ای از داوری‌ها درباره آن پرداخته است.

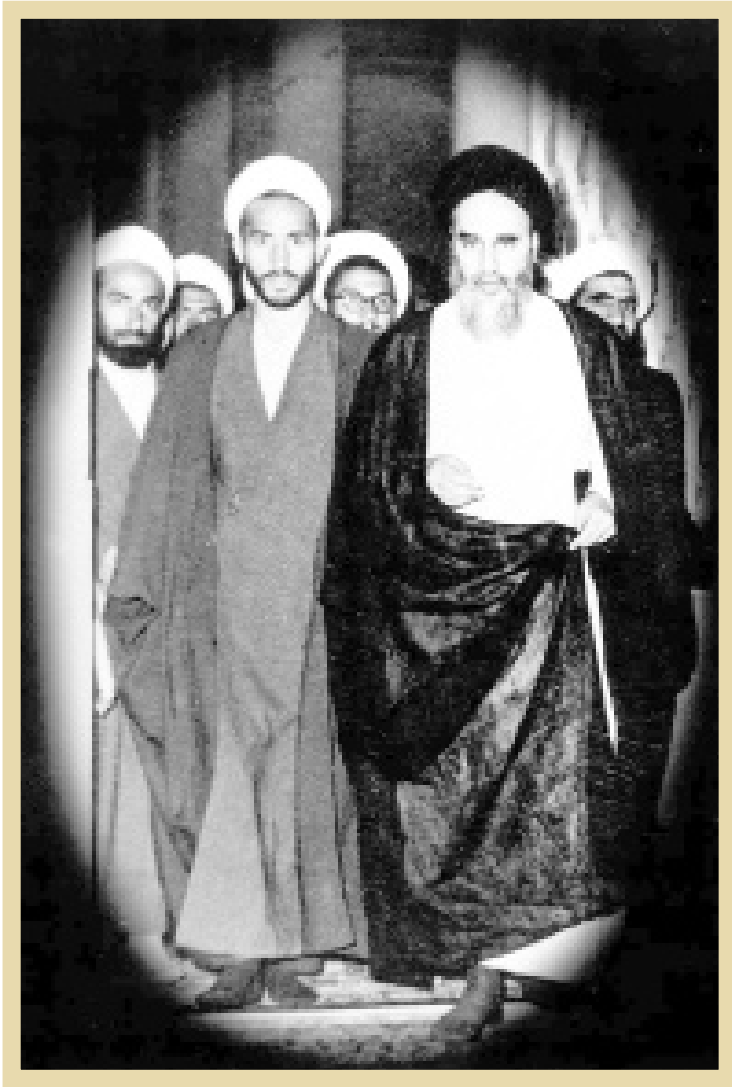
■ ■ ■

■ **آیا تاریخ نهضت اسلامی، در خلال مبارزات به رشته تحریر در آمده‌است؟**

در طول چهار دهه پس از انقلاب اسلامی کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌های فراوانی در داخل و خارج از کشور درباره ایجاد گوناگون انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی(ره) توسط موافقان و مخالفان انقلاب و امام نوشته یا ایراد شده و هر کس از منظر خود، در تأیید و اثبات یا رد و نفی این رویداد مهم تاریخی به یک سلسله علل و عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی تئیت کرده‌اند، لکن با وجود روایت‌های گوناگون و بعضاً متعارضی که پیرامون علل وقوع و گستره انقلاب وجود دارد، در چند مطلب، همه مورخان و صاحب‌نظران اتفاق نظر دارند:
۱. روحانیت در جنبشی که به انقلاب اسلامی منجر شد، نقش اصلی و مهمی ایفا کرد.
۲. صلاحیت و اُشتی‌ناپذیری امام خمینی با رژیم استبدادی وابسته پهلوی، ایشان را به عنوان برجسته‌ترین چهره مذهبی، سیاسی روحانی به مردم معرفی نمود.
۳. جنبشی که با پیشگامی امام خمینی و از سال ۱۳۴۱ در اعتراض به «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» آغاز گردید،به تدریج از مطالبه‌ای کوچک به مطالبه‌ای بزرگ که همان براندازی رژیم شاه بود- تبدیل شد.
بدین ترتیب جای این پرسش است که آیا رویدادهای سیاسی مهم این دوره ۱۶ ساله (۱۳۵۷- ۱۳۴۱) یا حداقل فرازهای مهم آن در پیش از انقلاب، توسط نویسندگان و مورخان روحانی و غیر روحانی، به نگارش

“

استاد دوانی در کمتر از یک ماه و با کمال عجله به تدوین کتاب «نهضت دو ماهه روحانیون ایران» پرداخت. او خود در این باره می‌نویسد: «می‌دانم اگر من این کتاب را در آن فرصت کوتاه تألیف نمی‌کردم، کسی به فکر می‌افتاد درباره نهضت روحانیون آیران، کتابی تألیف دیگران به فکر افتادند، جزئیات قضا یا در دست به خاطر می‌ماند که به عنوان وقایع مسلم، ثبت و ضبط شود؟»



۱۳۴۲.ملم خمینی در حال خروج از مسجد اعظم قم پس از آذای از حبس محصر

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۲۷

د

حدود یک ماه پس از پایان غائله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، استاد علی دوانی جریان کامل اعتراض جمعی از مراجع، علما و طلاب حوزه‌های علمیه ایران و عراق و نیز وعاظ، اصناف و بازرگانان مذهبی تهران و شهرستان‌ها را بر اساس اسناد و مدارک متقن و معتبری چون اعلامیه، نامه، تلگراف، سخنرانی و… «نهضت دو ماهه روحانیون ایران، به منظور دفاع از اصول مقدس اسلام» در دی ماه همان سال به رشته تحریر در آورد و منتشر ساخت

ماهه روحانیون ایران) را آتش زده‌ایم! این چه کاری بود که کردید؟ هنوز کار تمام نشده، شما یک کتاب در تاریخ دو ماهه درگیری آقایان با دولت نوشته‌اید؟ بفرمایید!نتیجه، اینکه بازداشت شدید و از این به بعد هم تحت نظر هستند!مگر می‌شود با دولت چنگید؟ بیرون می‌روید، آقایان امراجع آرا ببینید و کاری کنید که سر و صداها بخوابد. لاید راجع به درگیری اخیر افضیه‌ها هم تاریخ دیگری خواهید نوشت!»

■ **ضرورت‌های تألیف تاریخ نهضت اسلامی از منظر استاد دوانی**

درست است که سانسور و شدت عمل رژیم، مانع بزرگی برای ثبت و ضبط نهضت روحانیون ایران به پیشگامی امام راحل بود، ولی واقعیت آن است که در گذشته، روحانیون به ندرت رغبت و علاقه‌ای به مطالعات و پژوهش‌های غیر حوزوی از جمله مطالعات تاریخی و تاریخ‌نگاری از خود نشان داده‌اند و اشتغال به آن را دون شأن علمی و دینی خویش می‌دانسته‌اند و پژوهش تاریخی، امری ذوقی و فردی به ششمار می‌رفته است!با این‌همه پدرم هم از جهت احساس فقدان تحقیقات رجالی و تاریخی و هم به دلیل علائق شخصی، تراجرم حال، تاریخ اسلام و سیره معصومین(ع) را رشته اصلی مطالعات و تحقیقات خود برگزیدم و در کنار آن با علاقه تمام به مطالعه تاریخ عمومی و سیاسی ایران و جهان و جنبش‌های سیاسی در جهان اسلام، به ویژه ایران پرداخت و اثری چون «نهضت دو ماهه روحانیون ایران» و بعدها در ادامه آن «نهضت روحانیون ایران» را در ۱۱ جلد تألیف کرد. پدرم مطالعه تاریخ اسلام و ایران و حتی تاریخ جهان را نه امری ذوقی و فتنی، بلکه ضرورتی برای همه علما، فقها و روحانیون می‌دانست که علاوه بر وسعت بینش سیاسی، اجتماعی و توانمند ساختن آنان در تحلیل رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان، در بینش فقهی و صدور احکام و فتاوی‌ای آنان نیز می‌توانست مؤثر باشد. از نسوی دیگر به همان اندازه که شخصیت‌های روحانی بزرگی چون: آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبایی، حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی، شهید آیت‌الله مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی و افرادی از آن قبیل – که خود از مردان علم و عمل بودند و برخی از آنان، مقام استادی پدرم را داشتند- از شخصیت علمی و اجتماعی وی تجلی می‌کردند، به همان میزان مورد طعن و کم لطفی تنگ‌نظران بدون علم و عملی قرار داشت که اطلاعات و دانسته‌های فرهنگی و سیاسی شان، عمدتاً ششغایات بود و مواضع و عملکرد سیاسی آنها فاقد چشم‌انداز و راهبرد روشن و ناشی از شور و احساسات و هیجانات زودگذر سیاسی و تنها فضیلت و تفاخرشان نزدیکی به برخی بیوت بود!

استاد دوانی در کمتر از یک ماه و با کمال عجله به تدوین کتاب «نهضت دو ماهه روحانیون ایران» پرداخت که شرح آن پیش از این آمد. استاد دوانی را شامل دو بخش است: بخش اول، مقدمه و بخش دوم، متن که حاوی اعلامیه‌ها، نامه‌ها، تلگراف‌ها و سخنرانی‌های مراجع، علما و فضلا، صنف بازار و هیئت مذهبی در اعتراض به انجمن‌های ایالتی و ولایتی و حمایت از مواضع روحانیت است. اگر از رژیم سعی داشت تا با تبلیغات سوء فراوان و شدت عمل، آن حرکت عظیم را مخدوش جلوه دهد و آنهان عمدتوی نگارش به وقوع رویداد و حضور و اشراف مؤلف بر رویدادهای زمان و صادقت و بی‌طرفی در بیان و ثبت رویدادها باشد، به جرت می‌توان گفت متن کتاب نهضت دو ماهه، به نحو کامل و جامع از این دو ویژگی بر خوردار است. زیرا گذشته از تدوین و انتشار این اثر از کمترین زمان ممکن، حتی المقدور همه اسناد و مدارک سیاسی شخصیت‌های روحانی و نیز اصناف و بازرگانان، در این کتاب آمده و تنها کتابی است که تا آستانه انقلاب، به شرح مبسوط آن نهضت پرداخته است. (استاد دوانی خود به این امر اذعان داشته و می‌نویسد: «می‌دانم اگر من این کتاب را در آن فرصت کوتاه تألیف نمی‌کردم، کسی به فکر می‌افتاد درباره نهضت روحانیون آیران، آ کتابی تألیف کند؟» و آیا پس از حدود ۱۵ سال که دیگران به فکر افتادند، جزئیات قضا یا درست به خاطر می‌ماند که به عنوان وقایع مسلم، ثبت و ضبط شود؟»

■ **قدر ناشناسی‌ها**

در باب اولین تاریخ‌نگاری نهضت
نکنه تأسف‌ناآور اینکه نه تنها کتابی که ۱۵ سال بعد، مورخ محترم حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی با نام نهضت امام خمینی (جلد اول) در خارج از کشور و در عراق و لبنان چاپ و منتشر کرد، کمترین اشاره‌ای به کتاب نهضت دو ماهه روحانیون ایران ندارد، بلکه نویسندگان و مورخان دیگر، امه از روحانی و غیر روحانی که پس از وی درباره تاریخ نهضت امام، انقلاب اسلامی یا حتی ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی کتاب نوشتند، هرگز نام و یادى از کتاب نهضت دو ماهه روحانیون ایران به میان نیاوردند و حق تقدم را مرعی نداشتند!برخی نیز حتی اظهار داشتند!ایشان از نزدیک با مسائل نهضت آشنایی نداشت و اطلاعاتشان دقیق نبود!بعضی نیز در نخستین سال‌های پس از انقلاب، به ویژه پس از غائله افرینی حزب مسلمان و حوادث جسنی آن اثر ۱۱ جلدی «نهضت روحانیون ایران» را تاریخ‌سازی به نفع مخالفان خط امام معرفی کردند!

■ **قدر شناسی‌ها**

در باب اولین تاریخ‌نگاری نهضت
به رغم سکوت و حتی کتمان این کسان، بزرگانى از علما و فضلا- که خود از آغاز، در صحنه نهضت حضور فعالی داشتند- به‌نقل اسناد دوانی در جریان نهضت و فضل تقدم ایشان در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند. حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی در این باره می‌فرماید: «پیشان در انقلاب اسلامی هم سهم عظیمی دارند. تاریخ انقلاب را بهترین کسی که نوشته است، اوست- خیلی‌ها تاریخ انقلاب را نوشته‌اند، ولی در نوشتن تاریخ، گاهی عقاید خود و حب و بغض شخصی را مدخلیت داده‌اند. ایشان

۹ جوان

آنچه را نوشته‌اند، واقع و نفس‌الواقع است. نوشتن تاریخ انقلاب توسط ایشان، از تألیف کتاب نهضت دو ماهه روحانیون ایران شروع شد و اولین کسی که در این باره قلم زد، ایشان بود، اما به صورت مختصر. بعدها آن را در چند جلد منتشر کردند و من برخی از آنها را مطالعه کردم. با توجه به اینکه من در متن وقایع بوده‌ام، انصافاً نفس واقع را بیان و حق همه را ادا کرده‌اند. در مسائل انقلابی، باید زحمات افراد را گفت و اگر هم نویسنده مطلبی دارد، از تباطی به تاریخ انقلاب ندارد. امانت در نقل تاریخ، یکی دیگر از ویژگی‌های آن مرحوم است.»

آیت‌الله عمید زنجانی، مؤلف دانشمند کتاب معروف «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» نیز می‌نویسد: «یکی از تاریخ‌نگاران پاک سرشت معاصر «علامه علی دوانی» است که چون سلف خود علامه [جلال‌الدین محمد] دوانی، شجاعت قلم را تا آنجا رسانید که به روزگار خزان هم آنجا که از سرنیزه‌ها خون می‌چکید، او از تاریخ نهضت روحانیت سخن گفت و باران را به کمک امام و رهبر نهضت فراخواند… علامه علی دوانی، پیش از آن که یک سخنور توانا و در زمره سخنوران بنام به شمار آید، یک مورخ شجاع و تاریخ‌نگار توانمند بود که شجاعت قلمش چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن همواره در خدمت نهضت و انقلاب اسلامی بوده است. شخصیت امام خمینی در آیینه نهضت اروحانیون ایران قابل‌رویت است. آیینه‌ای که علامه علی دوانی در ۱۱ جلد، آن را به وجود آورد و به شیفتگان نهضت و انقلاب تقدیم کرد. روایت نهضت روحانیون آیران] و تاریخ انقلاب اسلامی در قلم وی، سلسه‌تر، عینی‌تر و مردمی‌تر دیده می‌شود. تاریخ‌نگاری او، بدون بربراهی و بدون اب و رنگ، با قلمی شیشه به گفتار است، گویی خواننده پای صحبت سخنوری نشسته و دل و گوش جان به بیان او سپرده است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسرشاهی، صاحب‌نظر و پژوهشگر نامی تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام نیز بر پیشگامی استاد دوانی در تاریخ‌نگاری نهضت روحانیون ایران تأکید کرده و اظهار می‌دارد: «مرحوم دوانی (مانند بقیه استادان و فقهای حوزه علمیه قم)، از آغاز نهضت با آن همگام بود و نخستین و تنها کسی بود که پس از ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، کتاب نهضت دو ماهه روحانیون ایران را در کوتاه‌ترین زمان، تألیف و منتشر ساخت و به دنبال همین امر، دچار مشکلات و پرورنده‌سازی از سوی ساواک شد.» ایشان در ادامه، تاریخ‌نگاری استاد دوانی را «بی‌طرفانه، به دور از غرض‌های شخصی، کاملاً مثبت و ارزشمند» ارزیابی نموده و از «عزت، کرامت، آزادمنشی» وی که موجب گردید تا در تحقیقات تاریخی «حقیقت را فدای مصلحت زودگذر دنیوی نکرد» تمجید می‌کند.

محقق مدقق و فاضل، حجت‌الاسلام رسول جعفریان، مؤلف روحانیون ایران استاد دوانی را در کنار مجموعه ۱۱ جلدی مفاخر اسلام «از کارهای ماندگار» و نیز «شاهکارهای ایشان» برمی‌شمرد.

■ **نگاهی بسر پاره‌ای از خرده‌گیری‌ها سر تاریخ‌نگاری استاد دوانی**

گرچه هیچ‌گاه منتقدان و مخالفان دو اثر برشمرده پدرم، انتقادات خود را روشن و آشکار بیان نکرده‌اند، اما آنچه به طور تلویحی گفته یا نوشته شده، است: چرایی در کنار اعلامیه‌ها، تلگراف‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های امام، موارد مشابهی را از سایر مراجع، به ویژه آیت‌الله شریعتمداری – که آن نظر آنان، در مظان اتهام همفکری یا همکاری با رژیم شاه قرار داشت و دارای موعبی محافظه کارانه بود- درج کرده است و حال آن که وی، اصولاً انگیزه‌ای برای مبارزه با رژیم شاه نداشت و همان مقدار نیز از سر تاگزیری بوده است. علت دوم، توضیحات پدرم در هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام (تاسیس: ۱۳۳۷) بود که ریاست عالیه آن را آیت‌الله شریعتمداری برعهده داشت. علت سوم: تلاش و فعالیت بیگیر پدرم در تأسیس «دارالتبلیغ اسلامی» و تدریس در آن مؤسسه دینی، از بنود تأسیس و شروع به کار رسمی در بهمن سال ۱۳۴۴ تا اواخر ۱۳۴۹ بود که پدرم مشروح آن را در خاطراتش قدر نمر بیان کرده است. اما آنچه بر این بدبینی می‌افزود، مواضع سیاسی آیت‌الله شریعتمداری پس از انقلاب و در مقابل تصمیمات امام خمینی و انتقادهای بی‌درسی از نظام نوپای جمهوری اسلامی و نیز حمایت همه جانبه از حزب خلق مسلمان بود که به پشتوانه ایشان در آذربایجان فعالیت داشت و به صورت کانون همه مخالفان دوانی همانند استاد شهید آیت‌الله مطهری، با آن نظر موافق نبود که برای برجسته کردن نقش تاریخی امام در نهضت و تدویم نام و یاد او ایشان در دوران تبعید، باید از هرگونه همکاری با سایر مراجع- که مشی‌ای متفاوت و محافظه کارانه داشتند- خودداری کرد یا به باور برخی، آنان را طرد نمود و کوبید. با این همه

و دست کم تا آنجا که مربوط به تاریخ‌نگاری نهضت روحانیون در سال ۱۳۴۱ می‌شد، استاد دوانی سخت با این نظر مخالف بود و آن را خلاف شرع، امانت تاریخی و اخلاق حرفه‌ای می‌دانست. در این باره پدرم در همان نظر و سفارش امام خمینی راجع به وظیفه شرعی و اخلاقی مورخان بود: «شما باید خود را وادار کنید و عادت بدهید که در نوشتن تاریخ، حب و بغض را کنار بگذارید و واقعیت‌ها را بنویسید، هر چند به ضرر خودتان یا به ضرر کسانی باشد که به آنان علاقمندید. من هم ممکن است اشتباه کنم، شما نباید از کنار اشتباهاتم، یا آنچه به نظر شما اشتباه می‌آید، بی‌سروصدا بگذرید و سروسپوش روی آن بگذارید. این کار، خلاف وظیفه‌ای است که برعهده گرفته‌اید. مورخ که برای خدا قلم می‌زند، نه گزاف می‌گوید و نه کتمان حقایق می‌کند. اگر می‌خواهید تاریخی که می‌نویسید برای اسلام و مسلمین مفید باشد، باید به دور از غرض‌ورزی باشد…»



حجت‌الاسلام والمسلمین استاد علی دوانی در کتابخانه منزل شخصی